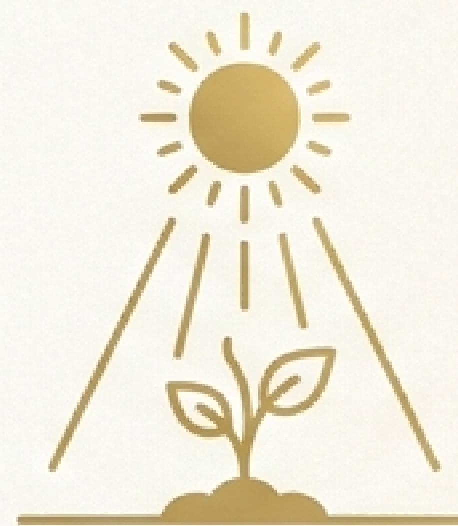
جان و جانشین پیامبر

سفری به ژرفای شخصیت امیرالمؤمنین علی (ع)، مردی که در دامان
پیامبر پرورش یافت تا آینه‌ی تمام‌نمای اسلام باشد.

شخصیتی که محصول تربیت مستقیم پیامبر بود

بزرگی و جایگاه بی‌مانند امیرالمؤمنین، نتیجه‌ی پرورش مستقیم ایشان توسط پیامبر اکرم (ص) بود.
رسول خدا او را به گونه‌ای تربیت کرد که الگو و سرمشق مسلمانان در همه‌ی دوران‌ها باشد.
این داستان سه بخش دارد:



پرورش

چگونه در کنار پیامبر شکل گرفت.



تأیید

چگونه توسط پیامبر معرفی شد.



تجلّی

چگونه فضائل او در عمل آشکار گشت.

من همچون فرزندی به دنبال مادر، از او پیروی می‌کردم

امیرالمؤمنین ده سال پیش از بعثت در خانه‌ی کعبه متولد شد. به پیشنهاد پیامبر، نام او را «علی» به معنای «والا» گذاشتند. او از کودکی در خانه‌ی پیامبر رشد کرد و خود در این باره می‌فرماید:

«در حالی که کودک بودم، همواره در کنار پیامبر بودم... من همچون بچه‌ی از شیر گرفته شده که به دنبال مادرش می‌رود، از آن بزرگوار پیروی می‌کردم و او هر هر روز پرچمی از خوی‌های نیکوی خود را برای من افراشت و مرا به پیروی کردن از آن فرمان می‌داد.»

تو آنچه را من می‌شنوم، می‌شنوی و آنچه را من می‌بینم، می‌بینی

هنگامی که وحی بر پیامبر فرود آمد، من آوای اندوهگین شیطان را شنیدم. گفتم: ای پیامبر خدا، این فریاد چیست؟

پاسخ داد: «این شیطان است که از پرستش خود ناامید شده است. بی‌گمان آنچه را من می‌شنوم هم می‌شنوی و آنچه را من می‌بینم تو هم می‌بینی، جز اینکه تو پیامبر نیستی، **بلکه وزیر هستی** و تو هر آینه بر راه خیر می‌باشی.»



NotebookLM

تجلی فداکاری: از شعب ابی‌طالب تا بستر پیامبر

این پرورش الهی، در تمام صحنه‌های پرخطر آشکار بود:



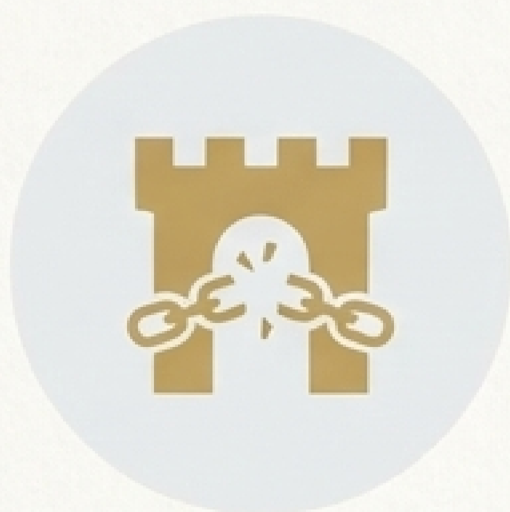
حفظ جان پیامبر: در سه سال محاصره‌ی اقتصادی در شعب ابی‌طالب.



لیلة المبیت: خوابیدن در جای پیامبر در شب هجرت برای فریب دشمنان.



میدان‌های نبرد: رشادت بی‌نظیر در بدر، احد، خندق (شکست دادن عمرو بن عبدود)، و فتح قلعه‌های خیبر.



فتح قلعه‌های خیبر.



لحظه‌ی وداع: رسول خدا در حالی که سر بر دامان وی گذاشته بود، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

سوگند به خدا، این مرد و شیعیان او در قیامت رستگارند

جابربن عبدالله انصاری نقل می‌کند که در کنار کعبه بودیم که علی (ع) وارد شد. رسول خدا (ص) فرمود: «برادرم به سویتان آمد». سپس رو به کعبه کرد و فرمود:

«سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، این مرد، و شیعیان و پیروان او، رستگارند و در روز قیامت، اهل نجات‌اند.»

در این لحظه، پیامبر برای اولین بار از کلمه‌ی «شیعه» (پیرو) استفاده کرده و راه رستگاری را مشخص نمود.

او اولین مؤمن، وفادارترین در پیمان و برترین شما نزد خداست

پیامبر در ادامه فرمود: «این مرد...

- اولین ایمان‌آورنده‌ی به خدا
- وفادارترین شما در پیمان با خدا
- راسخ‌ترین شما در انجام فرمان خدا
- صادق‌ترین شما در داوری
- بهترین شما در رعایت مساوات
- ارجمندترین شما نزد خداست.»

در همین هنگام، این آیه نازل شد:



إِنَّ ٱلَّذِينَ آمَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّالِحَاتِ
أُولَٰٓئِكَ هُمْ خَيْرُ ٱلْبَرِيَّةِ



(کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، اینان بهترین مخلوقات‌اند.)

مثل او، مثل کشتی نوح است

رسول خدا (ص) با عباراتی قاطع، جایگاه امیرالمؤمنین را تبیین فرمود:

عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ
وَالْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ

(علی با حق است و حق با علی است)



عَلِيٌّ مَعَ الْقُرْآنِ
وَالْقُرْآنُ مَعَ عَلِيٍّ

(علی با قرآن است و قرآن با علی است)

«مثل تو اامامان از فرزندان تو، مثل کشتی نوح است؛
هرکس بر آن سوار شود، نجات یابد و هرکس سرپیچی کند، هالک شود.»

تجمّع شگفتی‌آور فضائل در یک وجود

بزرگان علم و دانش، پس از بررسی شخصیت امیرالمؤمنین، با شگفتی مشاهده کرده‌اند که در او فضائلی جمع شده که به سختی در یک فرد یافت می‌شود. او در هر میدانی، سرآمد بود:

در میدان جنگ، **شجاع‌ترین**

در عرصه‌ی حکمرانی، **عادل‌ترین**

در محراب عبادت، **عابدترین**

در زیبایی سخن، **بلیغ‌ترین**

در مقام قضاوت، **دقیق‌ترین**

در کلاس درس، **عالم‌ترین**

در ادامه به دو فضیلت بی‌کران او می‌پردازیم: علم و عدالت.



کلامی فروتر از کلام خالق، و برتر از کلام مخلوق

یکی از ابعاد شگفت‌انگیز شخصیت امام، علم بی‌کران او بود. کتاب «نهج‌البلاغه»، که بخشی از سخنان و نامه‌های ایشان است، حکایتگر این دانش بی‌مانند است.

> ابن ابی الحدید، از اندیشمندان بزرگ اهل سنت، در شرح خود بر نهج‌البلاغه می‌گوید:
> «به حق، سخن علی را از سخن خالق (قرآن)، فروتر و از سخن مخلوق (دیگر انسان‌ها) برتر خوانده‌اند... قسم می‌خورم پنجاه سال است که خطبه ۲۲۱ را مطالعه می‌کنم و بیش از هزار مرتبه آن را خوانده‌ام، و هیچ بار آن را نخوانده‌ام مگر آنکه، در جان من شگفتی و بیداری عمیقی ایجاد کرده است.»

من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن است

دانش امیرالمؤمنین متصل به دانش پیامبر بود و دانش پیامبر نیز از وحی الهی سرچشمه می‌گرفت. خود ایشان می‌فرمود: «هرگاه از پیامبر سؤال می‌کردم، پاسخم را می‌داد و اگر سکوت می‌کردم، ایشان پیشگام می‌شد و از دانش خود مرا بهره‌مند می‌ساخت.»



(من شهر علم هستم و علی دَرِ آن است. هرکس این علم را بخواهد باید از دَرِ آن وارد شود.)

حق را بشناس تا اهلش را بشناسی

در جنگ جمل، مردی دچار تردید شد که حق با کدام طرف است. او پاسخ را از علی (ع) جویا شد.
امام به‌جای آنکه فوراً بگوید «من بر حق هستم»، معیاری جاودانه به او آموخت:

«کار را واژگـون کـرده‌ای! حق و باطل را با اشخاص نمی‌سنجند. ابتدا حق را بشناس تا بتوانی اهل آن را بشناسی؛ و نیز ابتدا باطل را بشناس تا بتوانی اهل آن را شناسایی کنی.»



این پاسخ، عمق نگاه او به عدالت و حقیقت را نشان می‌دهد: اصل بر شناخت حق است، نه تبعیت کورکورانه از شخصیت‌ها.

به خدا سوگند، حتی برای گرفتن پوست جو از دهان مورچه‌ای، نافرمانی‌اش نکنم

پس از ۲۵ سال، با اصرار مردم خلافت را پذیرفت و مبارزه با تبعیض و برقراری عدالت را سرلوحه‌ی کار خود قرار داد. او بیت‌المال غارت‌شده را بازگرداند و سهم همه‌ی مسلمانان را به طور مساوی تقسیم کرد. او معیار عدالت خود را اینگونه بیان کرد:

«سوگند به خدا، اگر همه‌ی دنیا را به من بدهند تا به اندازه‌ی گرفتن پوست جو از دهان موری، خدا را نافرمانی کنم، نخواهم نخواهم کرد.»



من هیچ‌گاه گمراه‌کنندگان را کارگزار خود قرار نخواهم داد

عدالت‌ورزی امام علی (ع) هیچ مصلحت‌اندیشی‌ای را برنمی‌تافت. هنگامی که یارانش به او پیشنهاد دادند که برای پرهیز از جنگ، معاویه را مدتی در حکومت شام ابقا کند، قاطعانه فرمود:



«به خدا سوگند، حتی برای دو روز نیز او را به کار نخواهم گماشت و من هیچ‌گاه گمراه کنندگان را کارگزار خود قرار نخواهم داد.»

این نشان می‌دهد که برای او، حکومت وسیله‌ی اجرای حق بود، نه هدف.

شما نمی‌توانید این‌گونه باشید، لیکن مرا با پارسایی یاری نمایید

امام علی (ع) سرمشقی برای همه‌ی ماست. او پس از آنکه فرماندار خود در بصره را به خاطر شرکت در مهمانی اشرافی سرزنش کرد و زندگی ساده‌ی خود را (دو جامه‌ی کهنه و دو قرص نان) یادآور شد، راه را برای ما مشخص کرد:



«بدانید که شما نمی‌توانید این‌گونه زندگی کنید؛ لیکن مرا در پارسایی و تلاش و پاکدامنی و درستکاری یاری نمایید.»

این یک دعوت است: نه به تقلید ناممکن، بلکه به تلاشی صادقانه برای نزدیک شدن به این الگوی بزرگ.